

ادامه از صفحه اول

تذکری مشفقانه به مشرق‌نیوز

همان قشری که در دولت قبل، «دولت اصلاح‌طلبان»، به سبب فساد صندوق ذخیره فرهنگیان، حقوق آنان ضایع شد، وقتی قوه قضائیه مفسدان مرتبط با پرونده فساد صندوق ذخیره فرهنگیان را بازداشت و راهی دادگاه کرد، برخی رسانه‌های اصلاح‌طلب بلافاصله به تریبون این مفسدان بدل شدند» و در پایان نوشت: «جریان اصلاح‌طلب به‌عنوان بانی اصلی تورم ۴۳درصدی و نقدبنگی سرسام‌آور و عامل اصلی گرانی مسکن و خودرو و کالاهای اساسی، اکنون به جای عنرخواهی و تلاش برای جبران خسارت‌ها، اتفاقات مثبت چند ماه اخیر را انکار کرده و پالس آشوب و اغتشاش می‌دهد و حتی پا را فراتر گذاشته و توصیه می‌کند که هوای آشوبگران و ارادل و ابوابش را داشته باشید!».

۱- آنچه این ماه‌ها در حوزه صنفی، شغلی و اصناف روی داده، نه آشوب بلکه بیان ناراضایتی گروه پرشمار و درخور توجهی از هم‌وطنان است که معیشت و گذران زندگی‌شان تحت تأثیر سیاست‌های کشور با مشکل و چالش دست‌به‌گریبان شده است. تورم و گرانی، سرسام‌آور مواد خوراکی، مسکن، پوشاک، خدمات بهداشتی و درمانی و مانند آن موجب شده تا بنا بر آمارهای رسمی، خط فقر افزایش و روزانه بر شمار هم‌وطنانی که به زیر خط فقر افکنده می‌شوند، به‌شدت افزوده شود. بخشی از این شهروندان طبق حقوق مصرح در قانون اساسی، با شرکت در اعتراضات صنفی، درخواست تغییر شرایط موجود و توجه جدی‌تر مسئولان کشور به وضعیتشان را دارند. بیان این ناراضایتی از سوی اقشاری ازجمله گروهی از جانبازان شریف، معلمان نجیب، کارکنان اداری دادگستری، پرستاران زحمتکش، کارکنان برخی از سدرشهرای‌ها و کارگران و آن مؤسسه، شرکت و کارخانه صورت گرفته است. اینکه دولتمردان گذشته یا حاضر مسئول این نابسامانی هستند، موضوع یادداشت نبوده، بلکه پیامد سیاست‌های جاری کشور به اقشار گوناگون فشاری مضاعف وارد کرده و بنابراین باید مدبرانه با این اعتراض‌ها روبه‌رو شد و اجزاه نداد فضای ناراضایتی به سبوی برود که پیامد پیش‌بینی‌نشده‌ای در پی داشته باشد. این اعتراضات و تجمعات، آشوب و آشوب‌طلبی نیست. نباید هر نوع ناراضایتی را به‌سرعت به آشوب تعبیر کرد که در صورت اصرار بر این امر، ممکن است خدای ناکرده شاهد وقایع ناگواری باشیم. برخلاف نوشته مشرق‌نیوز، یادداشت پالس آشوب نداد، بلکه مشفقانه هشدار داد که بی‌توجهی و کم‌توجهی به این وضعیت، خواه مسئولیتش بر دوش این دولت یا دولت سابق باشد، نگران‌کننده است. در نتیجه باید به‌سرعت برای حل مسائل پیش‌روی کشور ازجمله مشکل بزرگ گرانی و تورم که باری سنگین بر دوش میلیون‌ها ایرانی افکنده و فاقه، آرامش و ثبات زندگی‌شان را دستخوش تحول کرده، راهی کارشناسی و مدبرانه یافت. از ظرفیت‌های بزرگ کشور استفاده کرد و با استفاده از مشاوره همه کارشناس و متخصصان، به درمان آن پرداخت. آیا این درخواست پالس آشوب دادن است؟

۲- برای اینکه اعتراض‌ها به آشوب منجر نشود، پیشنهاد شد مسئولان امر با اعتراضات مدبرانه برخورد کنند. تجربه حوادث ناگوار آبان‌ماه ۱۳۹۸ همچنان پیش چشمان ماست و دل هر ایرانی شریف، وطن‌خواه و مشفق‌ی را می‌فشارد. برای جلوگیری از تکرار چنین رویدادهای ناگواری، استفاده از ظرفیت‌های موجود ازجمله‌گشوده‌شدن باب مذاکره و گفت‌وگو با تشکل‌های شناسنامه‌دار صنفی بهترین گزینه است. باید از برخورد قهری استفاده نکرد و صداپنجه در برخی از هزینه‌های کشور تجدیدنظر کرد تا بلکه راهی برای حل مسئله یافت. گروه شبایان توجهی از فرهنگیان کشور خواهان عدالت هستند و مجدانه پیگیر اجرائی‌شدن نظام هماهنگ حقوق و مزایا هستند. این درخواست‌ها آشوب‌طلبی نیست. در یادداشت درخواست شده تا در مواجهه با ناراضایتی‌ها طبق قانون عمل شده و از برخورد‌های سلیقه‌ای، استخراج از قانون و تند جلوگیری شود. کجای این درخواست داشتن هوای آشوبگران و ارادل و ابوابش است؟! آیا رواست معلمان دردمند، جانبازان سرفراز و کارمندان عدلیه و دیگر اقشاری که بر اثر تورم و گرانی کم‌رشان زیر بار مشکلات خم شده و خواهان کنترل تورم و گرانی و نیز اجرای نظام هماهنگ حقوق به‌صورت عادلانه هستند و البته از وضع معیشت خود ناراضی‌اند، با این اوصاف مورد خطاب قرار گیرند؟! چرا تلاش می‌شود جامعه دوقطبی نشود؛ با ما یا علیه ما؟! مشرق‌نیوسان هم باید به یاری اқشار تحت فشار ازجمله معلمان، پرستاران، کارکنان دادگستری، کارگران و دیگر حقوق‌بگیران و اقشار فرودست برخیزند تا با مسئولیت‌پذیری به ایفای رسالت حرفه‌ای خود بپردازند. با برچسب آشوب و آشوب‌طلبی، گرهی از مشکلات کشور باز نمی‌شود که هیچ، بر گره‌های موجود هم افزوده می‌شود!

شرق: اولین سفر رسمی ابراهیم رئیسی به روسیه درحالی پایان یافت که رسانه‌های اصولگرا چنان از آن استقبال کردند که حتی از کوچک‌ترین حرکت و رفتار صورت‌گرفته در این سفر و حواشی آن یک تحلیل و واکنش استخراج کردند. این اتفاقات درحالی است که اخبار و دیدار حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین به مسکو که در فروردین سال ۹۶ انجام شد، به‌صورت اخبار رسمی مخابره شد و چندان مورد استقبال جناح مخالف نبود. هیچ‌یک از تعبایر و تعاریف بلندبالایی که از تریبون‌های رسمی، نماز جمعه، رسانه‌ها، نماینده‌های مجلس و چهره‌های اصولگرا در تبیین و تمجید و توصیف سفر رئیسی استفاده شده، درباره روحانی به‌هیچ‌عنوان دیده نمی‌شود.

حواشی سفر ابراهیم رئیسی از همان روز اول آغاز شد؛ در ابتدا نحوه استقبال از او در فرودگاه مسکو بود که با سفر روحانی به روسیه مقایسه شد. در مراسم استقبال از رئیسی وزیر انرژی روسیه به او خیرقدم گفت و همین باعث شد تا رسانه‌های اصولگرا مانند مشرق این اتفاق را با سفر پوتین به تهران در سال ۹۴ مقایسه کنند که محمود واعظی، وزیر وقت ارتباطات به استقبال او رفته بود. ایسنا نیز با بهمن حسین‌پور، معاون پیشین تشریفات ریاست‌جمهوری گفت‌وگو کرد تا درباره برخی ابهامات درباره رعایت تشریفات در سفر رئیس‌جمهور به روسیه توضیحاتی دهد. او گفته: «در پایتخت روسیه فرودگاه‌ها در فاصله بسیاری از کاخ ریاست‌جمهوری قرار دارند و از قدیم این رسم وجود داشته که در زمان سفر رؤسای جمهور کشورهای مختلف، یکی از وزرای کابینه دولت به فرودگاه می‌رود تا پای پرواز از مقام مهمان استقبال کند.»او گفته هیچ‌گاه سابقه نداشته که پوتین برای استقبال از مقامات هم‌های خود به فرودگاه رفته باشد و کاری که در روسیه در استقبال از رئیس‌جمهوری ما انجام شد، همان کاری است که ما در استقبال از رؤسای جمهور انجام می‌دهیم.میزی که دو رئیس‌جمهور ایران و روسیه پشت آن نشستند و دلیل روزه‌کردن هم از مواردی است که حاشیه ایجاد کرد. این میز دراز کشیده بود و رؤسای دو دولت با فاصله پشت آن نشسته بودند.حسین‌پور درباره میزان انتخاب‌شده در دیدار ابراهیم رئیسی و ولادیمیر پوتین توضیح داده: «ایرادی بر اینکه فاصله رؤسای جمهور دو کشور از هم زیاد است، وارد نیست؛ کمااینکه این فاصله می‌تواند به دلیل رعایت پروتکل‌های بهداشتی برای جلوگیری از کرونا باشد.»خبرگزاری فارس نیز در یک ویدئو به بررسی دیدار رئیسی و پوتین پرداخت. در این ویدئو فردی که خود را پژوهشگر رسانه معرفی می‌کند، می‌گوید فاصله بین میز رئیس و پوتین به معنای این نیست که رئیس‌جمهور ایران از طرف روسیه تحویل گرفته نشده است و با نشان‌دادن چند تصویر نشان داده می‌شود که بقیه سران کشورها نیز در همان اتاق با پوتین دیدار داشته و آن میز هم در گوشه‌ای از اتاق وجود دارد.در این ویدئو به زبان بدن رئیس‌جمهور میزان هم‌اشاره شده و گفته می‌شود که پوتین در دیدار با رئیسی استرس داشته است. این تحلیلگر در این ویدئو با استناد به حرکات بدن پوتین می‌گوید: «او در حین گفت‌وگو با رئیسی دچار استرس بوده است، به همین دلیل کراوات خود را دو بار منظم کرده است، چندبار پای خود را تکان می‌دهد و شانه‌به‌شانه می‌شود؛ چون این دیدار برای کشور او مهم است و در مقابل رئیسی را داریم که با باهای جمع‌شده با آرامش سخن می‌گوید. پوتین هم چند جمله مجمل می‌گوید.»

انتقاد به‌منتقدان شرق

اما خود این سفر نیز باعث شد تا منتقدان سیاست

سیاست



۲ رئیس‌جمهور و یک سفر از ۹۶ تا ۱۴۰۰

دیدار در کرم‌لین

خارجی دولت سیزدهم اعتراض‌کنند که چرا دولت به سمت شرق گرایش پیدا کرده است. همین شد که معاون پارلمانی رئیسی در تویییتی بنویسد: «غرب‌گرایان که تاکنون منفعلانه دم از تسلیم در برابر زیاده‌خواهی غرب می‌زدند، حالا دلوایسانه از روسیه‌هراسی می‌گویند! درحالی‌که روابط تهران و مسکو بر اساس احترام و منافع متقابل است. دیگر نه روسیه، روسیه تزاری و اتحاد جماهیر شوروی است و نه ایران اسلامی ایران فجری و پهلوی است.»حجت‌الاسلام سیدرضا تقوی نیز در گفت‌وگو با مهر به سفر رئیسی به روسیه اشاره کرده و گفته: «وابستگی به آمریکا و غرب نمی‌خواهند ایران با کشورهای شرق در ارتباط باشد، درحالی‌که ما در ارتباط با شرق هم به دنبال منافع ملی خودمان هستیم.»او ادامه داد: «ما است تبلیغ کرد

در دنیا فعال باشیم. متأسفانه عده‌ای در داخل کشور نسبت به تعامل ایران با جهان شرق حساس هستند و به محض آنکه هیتی از ایران به روسیه و یا چین سفر می‌کنند، انتقادات خود را آغاز می‌کنند، درحالی‌که این سفرها با هدف تقویت ارتباطات کشور و رفع مشکلاتمان انجام می‌شود. غرب‌گرایان داخلی با شعار علیه کشورهای شرق می‌خواهند دامن آلوده آمریکا را پاک کنند؛ درحالی‌که راه به جایی نمی‌برند.»روزنامه کیهان نیز از سفر رئیس‌جمهور به روسیه و رابطه با چین استقبال کرده و منتقدان قرارداد همکاری ۲۵ساله ایران و چین و قرارداد ۲۰ساله با روس را «تقی‌زاده‌های جدید» خوانده است.روزنامه جوان نیز نوشت:«هرچند سیاست رسمی نظام «نه شرقی، نه غربی» بود اما وجه برجسته آن، تقابل با غرب بود و دلیل آن هم قدرت شبکه نفوذ غرب در ایران و تقلاهای بسیار غرب و غرب‌گرایان برای حفظ منافع راهبردی گذشته بود… همکاری ایران با کشورهایمانند روسیه هیچ منافاتی با حفظ اصول، ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف عالی انقلاب ندارد.»باین‌حال روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله دیروز خود خواسته که از روسیه و چین راستی‌آزمایی شود: «راستی‌آزمایی، یکی از راه‌های بسیار مفید برای ادامه تعامل با کشورها و ارتقای روابط در صورت مثبت‌بودن وعده‌های آنهاست. همان‌طورکه آمریکا به راستی‌آزمایی در مورد لغو تحریم‌ها ملزم می‌دانیم، باید برای ارتقای روابط با روسیه و چین نیز متوسل

شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل داشت، نوشت: «روحانی سفر به نیویورک را به پرواز به‌سوی آستاراخان روسیه به‌منظور شرکت در نشست سران کشورهای حاشیه دریای خزر پایان داد؛ سفری که دستاوردهای مثبتی در زمینه رژیم حقوقی دریای خزر در پی داشت و تاحدی خواسته‌های ایران را در این زمینه محقق کرد. از سوی دیگر، برگزاری چهارمین دیدار با ولادیمیر پوتین، فرصتی را برای رایزنی مجدد درباره مسئله هسته‌ای برای دو طرف مهیا کرد. پوتین در پایان این دیدار هدیه‌ای به روحانی داد.»روزنامه کیهان نیز در هر سفر روحانی به کشورهای غربی، سفر به روسیه را به او یادآوری می‌کرد. تیرماه سال ۹۷ این روزنامه از سفر روحانی به اروپا انتقاد کرد. این روزنامه نوشته بود: آقای روحانی به‌جای سفر بی‌دستاورد به اتریش و سوئیس که نه حجم قابل‌ملاحظه تجاری-اقتصادی و نه روابط سیاسی قابل‌تأملی با ایران دارند، بهتر بود سفر به روسیه و چین و هند و کشورهای آسیایی را در دستور کار قرار می‌داد؛ چراکه اولا می‌توانست پیام روشنی هم به اردوگاه غرب و هم به اردوگاه شرق بدهد… ثانیا نگاه به شرق و همکاری‌های جنوب-جنوب سلطه آمریکا در منطقه و نقش دلار در جهان را در معرض خطر بیشتر قرار می‌دهد و ابزارهای آمریکا برای تضعیف این همکاری‌ها را به همان میزان کمتر می‌کند.»

جالب‌تر آنکه خبرگزاری ایرنا، به‌تازگی در گزارشی به تمجید رابطه دولت‌های پیشین با روسیه پرداخته است. در این گزارش با نگاهی به روابط دوجانبه تهران- مسکو در سه دهه اخیر آمده: «به‌رغم شکل‌گیری یک روند مثبت در دفتر روابط ایران و روسیه، سال‌ها پایانی دولت هاشمی و اوایل دوره سیدمحمد خاتمی رفتار روسیه در قبال ایران خصومت‌آمیز شد، به‌این‌ترتیب که علاوه بر توافق با واشنگتن مبنی بر عدم فروش تسلیحات به ایران، روسیه یک دیپلمات ایرانی را نیز به اتهام تبادل فناوری موشکی اخراج کرد. هرچند دولت ولادیمیر پوتین با نگرانی از فاصله‌گرفتن جمهوری اسلامی از روسیه، بار دیگر فرصت را جهت احیای روابط غنیمت شمرد و در نامه‌ای رسمی از خاتمی برای سفر به مسکو دعوت کرد. برخی دیدار رئیس‌جمهوری وقت ایران از روسیه در اسفند ۱۳۷۹ را نشانگر پایان توافق روسیه با آمریکا در زمینه عدم فروش تسلیحات به ایران می‌دانستند.»

در ادامه آمده: «پس از سیدمحمد خاتمی، نوبت به سفرهای محمود احمدی‌نژاد ششمین رئیس‌جمهوری ایران به مسکو می‌رسد که در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ به‌ترتیب به‌منظور شرکت در اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان ناظر و شرکت در اجلاس گازی اوبیک انجام گرفت. در این دوره به علت روی‌کارآمدن دیمتری مدودف به‌عنوان رئیس‌جمهوری روسیه، به نظر تغییراتی در سیاست خارجی مسکو شکل گرفت و مانع پیشرفت‌های بیشتر در روابط ایران و روسیه شد. درحالی‌که پیشرفت چشمگیری در روابط دوجانبه در دوره ریاست‌جمهوری مدودف و احمدی‌نژاد شکل نگرفت، سفر حسن روحانی، رئیس‌جمهوری پیشین جمهوری اسلامی به مسکو در سال ۱۳۹۶ با توجه به همکاری راهبردی ایران با روسیه در سوریه، سرمنشأ تحولات گسترده در روابط میان دو کشور بود.»سفر ابراهیم رئیسی به مسکو حتی اگر دست‌آورد مهم اقتصادی و سیاسی نداشته باشد، لاقال این نکته را نشان داد که سفر به روسیه و نگاه به شرق با استقبال رسانه‌های جناح اصولگرا از فارس و تسنیم گرفته تا روزنامه جوان و کیهان مواجه خواهد شد.



بهارستان نشینان در جریان جزئیات تفاهم‌نامه ۲۵ساله ایران و چین قرار ندارند

بی‌خبران قرارداد ایران و چین

مجلس باید این قراردادها را بررسی کرده و تصویب کند تا جنبه اجرائی پیدا کند و در آن مرحله خواهان‌خواه مجلس در جریان جزئیات قرار خواهد گرفت، اما اکنون ما هم بی‌اطلاع هستیم.» او در پایان تأکید کرد: «شایسته است نمایندگان مردم در جریان تفاهم‌نامه با چین قرار بگیرند و اگر اصل محرمانگی ضرورت دارد، می‌شد در جلسه‌ای غیرعلنی تفاهم‌نامه مورد بررسی قرار گیرد تا هم خیال مردم راحت شود و هم تاریخ در مقام قضاوت بر انفعال مجلس خرده نگردد.»

معین‌الدین سعیدی، دیگر نماینده مجلس نیز در گفت‌وگویی با «شرق»، در پاسخ به انتقاد مخالفان این تفاهم‌نامه که معتقدند ایران مستعمره اقتصادی چین خواهد شد، گفته است: «مسلم‌ا قرار نیست مستعمره اقتصادی چین باشیم، چنین نگاهی نه در بین رویکردهای کلان دستگاه خارجی وجود دارد و نه مقام معظم رهبری چنین اجازه‌ای خواهد داد.» او توضیح داد: «سیاست اصولی ما بر مبنای نه شرقی، نه غربی بوده و خواهد بود. آنچه مهم است، بحث‌های سرمایه‌گذاری است. سعیدی در توضیح مفاد تفاهم‌نام نیز توضیح داده است: «بیش‌نویسی که مطالعه شد، جزئیات چندانی را همراه ندارد و پروژه‌هایش مشخص نیست. بنده هم ممکن است نگرانی‌هایی داشته باشیم. این نگرانی‌ها بر مبنای ورود چینی‌ها در کشورهای دیگر بوده است. من از نزدیک با مردمی که از این موضوع آسیب دیده‌اند، صحبت کرده‌ام، اما هرکسی الفبای اقتصاد را بداند، می‌داند که در شرایط فعلی، رشد اقتصادی مطلوب را نخواهیم داشت مگر اینکه رشد سرمایه‌گذاری خارجی را داشته باشیم.»

این تفاهم‌نامه برخلاف وعده شفاف‌سازی مفاد آن، همچنان محرمانه باقی مانده که سبب افزایش بدگمانی‌ها نسبت به نتایج اجرائی‌شدن آن است. از همان ابتدای رسانه‌ای‌شدن امضای قرارداد، منتقدان این سند را با قراردادهایی مانند «ترکمنچای» مقایسه و از دادن امتیازات بیش از حد به چین در وضعیتی که ایران با تحریم‌های آمریکا روبه‌روست، ابراز نگرانی کردند. در مقابل موضع انتقادها، محمدجواد طریف، وزیر خارجه وقت کشور، در مجلس شورای اسلامی گفته بود این توافق حاوی «هیچ موضوع محرمانه‌ای» نیست و «وقتی این توافق نهایی شد»، جزئیات آن فاش خواهد شد. حال این قرارداد به مرحله اجرا رسیده است، با این حال دولت ایران با وجود تغییر رئیس‌جمهور هنوز به این قول خود عمل نکرده و مهر محرانه نه بر این تفاهم‌نامه ۲۵ساله به قوت خود باقی مانده است.

روزنه

ناصر قوامی:

تبلیغ اسلام به این شکل نیست

● **ایلنا:** حجت‌الاسلام ناصر قوامی، عنوان کرد: پیش‌ازاین هم شاهد برخی اظهارات از سوی ائمه جمعه بودیم. به طور مثال قبلا گفته بودند اسب‌دوانی زنان، مردان را تهییج می‌کند. این افراد متأسفانه در مسائل اسلامی و دینی به‌روز نیستند. اگر در زمان قاجار بودیم، همسران مسئولان یا زنانی که در سازمان صداوسیما برنامه اجرا می‌کنند، به‌عنوان بی‌حجاب شناخته می‌شدند. به‌همین‌دلیل بعضی از فقهای آن زمان می‌گفتند چهره و دست نیز باید پنهان شود و اگر قبل از انقلاب هم دیده باشید، همسران علما، با روئند و سوزند به بیرون می‌آمدند. او ادامه داد: باید به این آقایان گفت از کجا معلوم است ۱۰ تا ۲۰ سال دیگر افرادی که امروز بی‌حجاب شناخته می‌شوند، باحجاب معرفی شوند و جز- باحجاب‌ها به شمار بیایند و بی‌حجابی آن زمان تعریف دیگری داشته باشد. بنابراین اسلام در این موارد انعطاف دارد و در هر زمانی، نظر فقها و علما متفاوت است. یک زمانی به زنان می‌گفتند حتی برای تماشای بازی‌ها نباید به ورزشگاه بروند. بنابراین فکر می‌کنم شرایط زمان به گونه‌ای است که دیگر این حرف‌ها نمی‌تواند خریداری داشته باشد.

محمدرضا بادامچی:

برخی از وزرا، کاروزارتخانه‌ها را به شوخی گرفتند

● **ایلنا:** نماینده پیشین مجلس، محمدرضا بادامچی، عنوان کرد: برخی از وزرا، کار وزارتخانه‌ها را به شوخی گرفتند؛ برای همین هم نمایندگان احساس می‌کنند باید نسبت به این مسئله ورود پیدا کنند. حتی باید گفت که وزیری در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مشغول شده که از معاونت یک نهادی مانند کمیته امداد بیکاره به وزارت کار و امور اجتماعی پرش کرده و سکاددار شده است. دبئی است که شخصی برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتخاب شده که عملکردش نشان می‌دهد ایشان در قد و قواره این وزارتخانه نیست.

ادامه از صفحه اول

التهاب در دانشگاه‌های کشور

در چنین شرایطی که دانشگاه‌ها تحت فشار مالی سنگین قرار دارند، خبر مرگ استاد بازنشسته گروه شیمی دانشگاه کاشان آقای دکتر جواد صفری، که این مراجعه مکرر به امور مالی دانشگاه‌قادر به دریافت حق بازنشستگی خود نشده، موجی از اندوه را در میان دانشگاهیان برانگیخته است. احتمال می‌رود که این استاد ۵۶ساله بنا به ضرورت و برای دریافت حق بازنشستگی، زودتر از موعد بازنشسته شده و دانشگاه امکان پرداخت به او را نداشته است، واین فشار روحی سنگین سرانجام به این اقدام تأثیررکنیز انجامیده و این سؤال را بیش‌ازپیش مطرح کرده است که آیا دانشگاه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای سلامت جسمی و روحی اعضای هیئت‌علمی ارزشی قائل است؟!این‌روزها خبر اخراج دکتر فاضلی از دانشگاه شید بهشتی و دکتر آرش ابادری از دانشگاه صنعتی شریف بر التهاب در فضای آموزش عالی کشور دامن زده است. چرا برخی از دانشگاه‌ها اخراج استادان باسواد و محبوب را در اولویت قرار داده‌اند و برخی از استادان کم‌سواد، که نه سواد علمی دارند و نه دغدغه اجتماعی و عموما دانشجویان از کار آموزشی و پژوهشی آنان ناراضی هستند، از حاشیه‌های امن برخوردارند و هیچ خطری جایگاه مستحکمشان را تهدید نمی‌کند؟ سال‌هاست که از سوی بسیاری از دانشگاهیان نسبت به ملاحظات اعلام‌شده از سوی وزارت علوم برای چاپ هرچه بیشتر مقالات در مجلات به‌اصطلاح علمی - پژوهشی جهت ترفیع و ارتقای جایگاه اعضای هیئت‌علمی اعتراض می‌شود و خبر گسترش فساد و افزایش شرم‌آور شمار می‌رسانند، به‌طور رسمی و غیررسمی مطرح است. با وجود این حتی استادانی که ملاقاات در مجلات علمی خارجی منتشر شده که اصلا وجود ندارد و تخلف و جعل سندی بیش نیست، با خطری مواجه نیستند و از پستیز و امتیازات مادی و معنوی همین مقالات بی‌ارزش بهره‌مند می‌شوند ولی استادانی چون دکتر فاضلی با وجود انتشار کتاب‌ها و مقالات علمی ارزشمند برای تدریس در دانشگاه مناسب تشخیص داده نمی‌شوند. با وجود تأکید رسمی وزارت علوم بر ضرورت پیوند دانشگاه با جامعه، برخورد‌های سلیقه‌ای با استادان پرتلاش درواقع حاوی این پیام است که استادان بهتر است سر در لاک خود داشته باشند و به مشکلات کشور توجهی نداشته باشند. پاداش‌های سخاوتمندانه برای نوشتن مقالاتی که درواقع ارزش و تأثیر بر زندگی مردم ایران نداشته و نخواهد داشت، دریافت کنند. در مقابل تنبیه‌های جدی برای کسانی است که نگران آینده کشور هستند و تلاش می‌کنند که دانشجویانی پرسشگر و پرتلاش تربیت کنند. این اقدامات ناراضایتی روزافزون اکثر قاطع دانشگاهیان را به دنبال دارد. انتظار می‌رود که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری با نظارت بیشتر از برخورد‌های سلیقه‌ای و مخرب برخی گروه‌ها در دانشگاه‌های کشور جلوگیری کند و با حمایت از حقوق قانونی دانشگاهیان مانع از تنذید التهاب در میان این قشر فرهیخته شود.

❖ **عضو هیئت‌علمی دانشگاه مازندران**